

سینما

«کامیون» فیلم افتتاحیه جشنواره فجر شد

برنامه نمایش فیلم‌های سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر در سینمای رسانه پردیس ملت) براساس قرعه‌کشی تعیین شد.



بنابراین گزارش، این قرعه‌کشی طی مراسمی با حضور تهیه‌کننده و کارگردان فیلم‌های جشنواره سی‌وششم و اهالی رسانه، انجام شد و در آن زمان پخش آثار این دوره از جشنواره فجر در سالن رسانه‌ها بدین شرح اعلام شد:

جمعه ۱۳ بهمن، ساعت ۱۴ «کامیون» ساعت ۱۷ «جاده قدیم» و ساعت ۲۰ «فیلشاه»/ شنبه ۱۴ بهمن ساعت ۱۴ «شعلور»، ساعت ۱۷ «ممب» و ساعت ۲۰ «مجموعه فیلم‌های کوتاه» یکشنبه ۱۵ بهمن، ساعت ۱۴ «چهارراه استانبول»، ساعت ۱۷ «بانو قدس ایران» و ساعت ۲۰ «لاناری»/دوشنبه ۱۶ بهمن ساعت ۱۴ «میر»، ساعت ۱۷ «حجالت‌کش» و ساعت ۲۰ «به وقت شام»/سه‌شنبه ۱۷ بهمن ساعت ۱۴ «مغزهای کوچک زنگزده»، ساعت ۱۷ «چهارشنبه ۱۸ بهمن ساعت ۱۴ «سور زیر آب»، ساعت ۱۷ «تنگه یوغربی» و ساعت ۲۰ «اتاق تاریک»/پنجشنبه ۱۹ بهمن ساعت ۱۴ «حسن دلتگی»، ساعت ۱۷ «هایلایت» و ساعت ۲۰ «ماهور»/جمعه ۲۰ بهمن ساعت ۱۴ «مصادره»، ساعت ۱۷ «سوءتفاهم» و ساعت ۲۰ «هارکوب»/ شنبه ۲۱ بهمن ساعت ۱۴ «کارکنیف» و ساعت ۱۷ «زنانی با گوشواره‌های باروتی».

کتاب

«زایو» به چاپ هشتم رسید

انتشارات کتابستان معرفت رمان «زایو» اثر قلم مصطفی رضایی را برای هشتمین مرتبه تجدید چاپ کرد. به گزارش فارس، چاپ هشتم



رمان زایو اثر مصطفی رضایی از سوی انتشارات کتابستان معرفت روانه بازار کتاب شد. مصطفی رضایی در رمانش نشان داده رژیم صهیونیستی، طبق پیش‌بینی رهبر انقلاب مبنی بر نابودی این رژیم جعلی طی ۲۵ سال، وجود ندارد و جمهوری اسلامی فلسطین شکل گرفته است. سبک و سیاق رمان زایو ذهن خواننده را به سوی رمان «فرسنگ‌ها زیر دریا» به قلم ژول ورن و آثار تخیلی مانند آن می‌برد و این مهم‌ترین نقطه قوت رمان این نویسنده نوقلم است. او در این اثر سعی کرده به مخاطب خود، تهران و در مقیاس بزرگ‌تر جهان در ۲۵ سال آینده را نشان دهد. چاپ هشتم رمان «زایو» اثر نویسنده جوان کشور در شمارگان یک هزار و صد نسخه با قیمت ۱۷ هزار و ۵۰۰ تومان توسط انتشارات کتابستان معرفت روانه بازار کتاب شد.

سینمای جهان

سوزه جدید فساد جنسی هالیوود کیست؟

طی روزهای اخیر چندین زن در فضای توئیتر از «جیمز فرانکو» بازیگر و کارگردان مشهور هالیوود به خاطر رفتارهای ناشایست و



آزار جنسی شکایت کرده‌اند. به گزارش ایسنا، «هالیوودریپورتر» نوشت: «جیمز فرانکو» بازیگر و کارگردان جوان سینما که چند روز پیش به نشانه حمایت از کمپین مبارزه با آزار و تجاوز جنسی با کت و شلوار مشکی در مراسم «گلدن گلوب» حاضر شد و جایزه بهترین بازیگر مرد فیلم‌های موزیکال را به کمدی را به دست آورد، از سوی چند زن و دختر به تعرض جنسی متهم شده است. مراسم اعطای جوایز «گلدن گلوب» ۲۰۱۸، با حضور هنرمندانی که یک‌دست سیاه پوشیده بودند، برگزار شد. اعضای کمپین #MeToo که اخیرا بسیار فعال شده، حامی زنانی است که در هالیوود از سوی مردان همکار یا بالادست خود مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته و دیگر نمی‌خواهند به سکوت خود ادامه دهند.

این کمپین وجوه گسترده‌تری پیدا کرده و در کشورها و عرصه‌های اجتماعی دیگر هم فعال شده است. مردانی که در مراسم امسال شرکت کردند، سنجاقی را با عنوان «آن دوران دیگر تمام شده» به لباس خود نصب کرده بودند که «جیمز فرانکو» هم یکی از آنها بود. در دست روزهای که «فرانکو» مسرور از دریافت جایزه «گلدن گلوب» برای فیلمی با بازی و کارگردانی خود بود، چندین زن از جمله «ایوولت پبلی» بازیگر او را به آزار، رفتارهای ناشایست جنسی و پیشنهادهای غیراخلاقی متهم کردند. «جیمز فرانکو» بازیگر و کارگردان ۳۹ ساله آمریکایی و نامزد جایزه اسکار است که در فیلم‌هایی چون «۱۲۷ ساعت»، «بخور، نبیاش کن، عشق بوز»، «میلک»، «ژر بزرگ و قوی» و «هنرمند فاجعه» ایفای نقش کرده است.

گفت‌وگوی «وطن امروز» با سیدمسعود شجاعی طباطبایی و مسعود نجابتی مدیران هنرهای تجسمی در حوزه هنری و بنیاد روایت فتح

مسعودهای هنر انقلاب

نجابتی: هنر انقلاب را باید به میان زندگی مردم برد

شجاعی: بسیاری از گالری‌ها تبدیل به مستعمره‌های کشورهای غربی شده‌اند



عکس‌های بسیار خوبی از عکاسان خوب انقلاب و دفاع‌مقدس برای آن انتخاب شد که البته بعد از آن شعرهایی نیز برای آنها انتخاب شد و این عکس‌ها را به شکل پوستر درآوردیم و در قالب یک کتاب منتشر کردیم. البته یکی از برنامه‌های اصلی ما این است که می‌خواهیم به سمت تمرکززادگی در این حوزه برویم. نگاه ما این است که آثاری که اینجا خلق می‌شود در تمام ایران به نمایش گذاشته شود. بسا توجه به ظرفیتی که در حوزه هنری وجود دارد ما نمایشگاهی را در مراکز مختلف استان‌ها برگزار کردیم، بعضی از مهم‌ترین آنها با موضوعات شهید حججی، میانمار، ترامپ‌بست، سقوط شیطان بزرگ و مجموعه‌ای با عنوان «شیطان تنها نیست» درباره ترامپ و تأکید مقام معظم رهبری در خصوص هجو ماجرای رقص شمشیر ترامپ با سران سعودی بود. در حوزه کارهای تلفیقی نیز پروژه‌هایی چون خلیج همیشه فارس و پایان یک داعش را انجام دادیم، البته هرچقدر در این حوزه کار انجام بدهیم باز هم کم است. من مدتی قبل یک تعبیری را به کار بردم که واکنش عجیبی را هم به دنبال داشت؛ من گفتم گالری‌ها تبدیل شده است به قبرستان کارهای هنری. من واقعا به این اعتقاد دارم که یک سری آدم‌های خاص می‌آیند و می‌روند و خروجی مشخصی ندارند. برای همین هم خیلی جدی از طریق گروه‌های هنر تجسمی روایت فتح و حوزه هنری به دنبال این هستیم این موضوع را پیگیری کنیم

نجابتی: به نظر من حضور هنرهای تجسمی در زندگی مردم را باید فراتر از حضور در خیابان‌ها و معابر شهری دید. برای مثال، بسیاری از آشیایی که از ایران در موزه‌های دنیا هست مربوط به وسایل مورد استفاده در داخل منزل است. این یعنی ما نباید تصور کنیم که هنر چیزی جدای از زندگی مردم است. ما الان سعی داریم از فضای مجازی در این زمینه استفاده کنیم، البته در این زمینه یک نگاه اشتباهی که وجود دارد این است که تصور می‌کنند باید با همان نگاه قبلی پوستر یا کاریکاتور یا نقاشی تولید کنند و بعد هم آن را کوچک و در شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام منتشر کنند، در حالی که به نظرم این نگاه درست نیست و ما باید پوسترهایی ویژه همان سایز تولید کنیم. برای همین ما سعی کردیم یک سری کار ویژه همین فضا تولید کنیم. یکی دیگر از کارهای هر دو گروه درباره موضوعی که در ابتدا به آن اشاره کردم یعنی حضور هنر در زندگی مردم بود؛ حالا این باید متناسب با زندگی امروز فرزندان ما ارزیابی‌باشی است. حالا ممکن است در این مجموعه بازی فکری و اسباب‌بازی یا طرح‌های حجمی جای بگیرد. در دنیای غرب هم بسسته محصولات فرهنگی که برای بچه‌ها در نظر گرفته شده، رسته کاملی است. یعنی از چاپ روی لباس و ساعت، و گرفته تا تمام چیزهایی که انسان مصرف می‌کند. حالا ما هم به همین نگاه می‌خواهیم به تولید محصول بپردازیم. ما همچنین در مجموعه روایت فتح در حال تاسیس یک مرکز آفرینش‌های هنری هم هستیم تا بتوانیم خیلی از این آرشوهای نفیسی را که در این سال‌ها خریداری یا تولید شده است، در ابعاد مختلف بازآفرینی کنیم که شهروندان بتوانند آنها را در داخل منزل خود نیز داشته باشند. نیازی نیست که حتما این آثار مثلا در میان‌ها شهرهای مختلف قرار بگیرد بلکه باید ورود این آثار به جریان عادی زندگی مردم نیز برنامه داشت.

هنرهای تجسمی از یک نظر حوزه بسیاری سختی است چون شاخه‌های بسیاری دارد و رعایت انصاف و عدالت در زمینه حمایت از زیرشاخه‌های مختلف آن کار سختی است اما به نظر می‌رسد جریان فعالیت‌های تجسمی جبهه انقلاب بیشتر در حوزه کاریکاتور و گرافیک متمرکز شده و برخی دیگر از شاخه‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است، دلیل این موضوع را چه می‌دانید؟

نجابتی: مساوات و عدالت که مطرح می‌کنیم به این معنی نیست که ما به همه رشته‌ها به یک اندازه بپردازیم، چرا که میان مساوات و عدالت فرق است. عدالت یعنی اینکه بینم پتانسیل یک رشته چقدر است و به همان اندازه به آن بپردازیم. قرار نیست انرژری و بودجه‌ای که داریم را به یک اندازه در میان رشته‌های مختلف تقسیم کنیم. بالاخره باید پذیرفت که رشته‌هایی چون کاریکاتور و نقاشی و گرافیک، به چند دلیل از اهمیت بیشتری برخوردار است. اول اینکه این رشته‌ها در حال حاضر نسبت به رشته‌های دیگر همچون خوشنویسی و... کارکرد

اجتماعی بیشتری دارد. علاوه بر این شما باید این نکته را هم در نظر بگیرید که خوشنویسی به عنوان یک پدیده ایرانی-اسلامی، کانون و انجمن مستقل دارد و از همه انجمن‌ها هم سابقه آن بیشتر است و در حوزه‌های آموزشی و تولید و انتشار اثر هم فعال است؛ منظور آن که با بودن چنین انجمنی شاید دیگر واقعا نیازی نباشد روایت فتح و حوزه هنری به همان اندازه که به گرافیک و نقاشی می‌خواهند بپردازند، به خوشنویسی هم بپردازند. یا مثلا در رشته‌هایی همچون مجسمه‌سازی اگر شما تعداد هنرمندان و آثار تولیدشده در این حوزه را با سایر حوزه‌ها مقایسه کنید، متوجه تفاوت‌هایی جدی در این زمینه می‌شوید. وقتی فراخوان منتشر می‌کنید، حجم کارهایی که برای موضوعاتی مانند پوستر یا کاریکاتور می‌رسد به نسبت کارهایی که برای حوزه‌هایی همچون مجسمه‌سازی می‌رسد قابل مقایسه نیست. البته ما منکر تاثیر این رشته‌ها نیستیم ولی این نکته هم وجود دارد که گاهی هزینه حمایت از یک پروژه تجسمی مثل ساخت یک مجسمه ممکن است ۱۰ برابر چند پروژه گرافیکی باشد، همه اینها باعث می‌شود ما در بحث بودجه و حمایت نتوانیم یکسان به همه رشته‌ها نگاه کنیم، البته اگر شرایط به شکلی بود که بودجه برای پرداختن به همه رشته‌ها به یک اندازه بود ما نیز دوست داشتیم به رشته‌هایی که شاید مخاطب کمتری دارند هم توجه کنیم ولی در شرایطی که بودجه ما محدود است باید براساس اولویت‌ها این کار را انجام دهیم.

شجاعی طباطبایی: نکته دیگری که در اینجا به ذهن من می‌رسد این است که برخی از این رشته‌ها مثل گرافیک، کاریکاتور و عکس، نسبت به رشته‌های دیگر برای واکنش سریع نسبت به موضوعات مختلف مناسب‌تر هستند. مثلا وقتی ترامپ از واژه «خلیج عربی» صحبت می‌کند نیاز به این بود که بلافاصله یک واکنشی از سوی جامعه هنری نسبت به این موضوع صورت بگیرد که خب در این شرایط قطعاً کاریکاتور از ظرفیت مناسب‌تری برای واکنش به این اتفاق برخوردار است که خوشبختانه بازخورد خیلی خوبی هم داشت، بنابراین یک بخشی از این اتفاق به ما هایت هر کدام از این رشته‌ها برمی‌گردد. گرافیک می‌تواند خیلی سریع و در قالب پوستر و بیلبورد ظرف چند ثانیه یا دقیقه با مخاطبان ارتباط برقرار کند.

هر دو بزرگوار از جمله چهره‌هایی هستید که پیش از این به عنوان یک هنرمند در جبهه فرهنگی انقلاب مشغول بوده‌اید. حالا در قامت یک مدیر فرهنگی فعالیت می‌کنید. به نظر تان در این سال‌ها نگاه به عرصه تولید آثاری در حوزه هنرهای تجسمی بویژه در میان نیروهای انقلابی چقدر تغییر کرده یا به عبارت دیگر تعداد نیروهای آتش به اختیار ما در حوزه هنرهای تجسمی نسبت به جریان شهروشفنگری چه تغییری کرده است؟

نجابتی: نسبت به جریان شهروشفنگری ما قطعاً نیروهای آتش به اختیار بیشتری داریم. مثلا وقتی ماجرای شهید حججی پیش آمد، ما شاهد بودیم که بدون اینکه دستوری وجود داشته باشد، به سرعت آثار مختلفی در ارتباط با این حماسه تولید شد. البته من در این زمینه حرف‌های بسیاری دارم. ببینید وقتی ما معتقدیم که غرب دارد با همین ابزار تهاجم فرهنگی‌اش را انجام می‌دهد، چطور می‌توانیم بگوییم هنرهای تجسمی زینت‌المجالس است؟! تصور من این است که متأسفانه حتی مسؤوولان فرهنگی ما نیز هنوز ضرورت این قضیه را حس نکرده‌اند. من به‌شخصه معتقدم که باید از این هنر حمایت شود، البته حمایت صرفا به معنی تزریق پول نیست، همین توجهی که هنرمندان از سمت مسؤوولان نیاز دارند خودش یک نوع حمایت است. مثلا همین نشستی که شاعران همه‌ساله با مقام معظم رهبری دارند، خودش یک نوع حمایت است. خیلی وقت‌ها هنرمندان عرصه تجسمی از ما می‌پرسند که چرا ما در سال دیداری با ایشان نداریم. پس این دیدار خیلی اهمیت دارد و این حمایت کمی نیست. بسیاری از مسؤوولان ما یا بدون دعوت به تماشای دیدن آثار هنرهای تجسمی نمی‌روند یا اینکه وقتی مثلا راهی یک گالری می‌شوند به این نوع از کارها به چشم کاری که فقط باید انجام شود و یک بازتاب خبری داشته باشد نگاه می‌کنند و هنرمند نیز متوجه این نوع نگاه مسؤوولان به آثارش می‌شود و همه هنرمندان تجسمی از این قضیه مکرر هستند. من واقعا این را از صمیم قلبم می‌گویم که ما در حال حاضر بیشترین نیروها را در عرصه تجسمی داریم که واقعا آتش به اختیار هستند. اصلاً نهضت مردمی پوستر انقلاب مشهد با همین رویکرد این‌گونه شکل گرفت. شاید خیلی از مسؤوولان فرهنگی از حضور این تشکل‌ها خبر نداشته باشند و در بعضی از موارد حتی کمترین حمایت هم از آنها نشده است در حالی که این هنر با توجه به اینکه

در حوزه فرهنگسازی فعالیت می‌کند، اتفاقا بیشتر از سایر حوزه‌های هنر نیازمند حمایت و توجه است. حتی من در انجمن تجسمی بارها شنیدم که ما با همین بچه‌های فعال در حوزه تجسمی، اردوی جهادی داشتیم و مثلا در یک نمونه نزدیک به ۱۱۰ نفر از دوستان برای کارگاه «حبل‌الله» در یک مسجد جمع شدند و بدون اینکه پولی به آنها پرداخت شود، آثاری را با موضوع وحدت تولید کردند اما متأسفانه این فضا خوب دیده نمی‌شود و مشکلاتی که دوستان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، مطرح نمی‌شود.

شجاعی طباطبایی: البته درباره شهید حججی یک اتفاق بسیار بزرگ افتاد ولی نکته‌ای که وجود دارد این است که وزارت ارشاد که متولی اصلی هنر کشور است طی این سال‌ها برنامه درستی برای این فضا در نظر نگرفته است. مثلا در ارتباط با همین گالری‌هایی که در حال حاضر مشغول به فعالیت هستند، بسیاری از آنها عملا در این سال‌ها تبدیل به مستعمره‌های کشورهای غربی شده‌اند یا در جشنواره فجر که به عنوان یکی از مهم‌ترین اتفاقات فرهنگی کشور در دهه فجر به وقوع می‌پیوندد، عملا فضا توسط وزارت ارشاد به سمتی برده شده که در میان آثار این جشنواره به‌ندرت اثری متناسب با انقلاب اسلامی پیدا می‌شود. ما سال قبل آثار حاضر در جشنواره را بررسی کردیم و دیدیم که تنها در بین همه آثار ۴ اثر مرتبط

و انقلاب و دفاع‌مقدس وجود داشت و بقیه کارها اغلب تحت تأثیر جشنواره‌های خارجی مانند ونیز بوده، بنابراین لزوم حضور جدی ما در این حوزه بیشتر احساس می‌شود. اگر بخوایم مصداق دیگری در این زمینه بگوییم مثلا می‌توانم به ماجرای برگزاری مسابقه «هولوکاست» اشاره کنم که وقتی می‌خواستیم دور اول آن را بعد از ماجرای توهین

به پیامبر مکرم اسلام(ص) برگزار کنیم، حتی با مخالفت‌هایی از داخل کشور هم روبه‌رو شدیم؛ به ما اعلام کردند این جشنواره مخالف مصالح امنیت ملی و مواردی از این دست است و فشارهای بسیاری روی ما آوردند و حتی اعلام کردند باید نام این نمایشگاه تغییر کند ولی در نهایت مقام معظم رهبری با حمایت از کار، مهر تأییدی بر آن زدند، البته بی‌توجهی به عرصه هنرهای تجسمی فقط محدود به آنچه استاد نجابتی گفتند نیست. شما به همین آخرین صیافتی که رئیس‌جمهور با اهالی فرهنگ و هنر داشتند، نگاه کنید. گذشته از اینکه بالاخره همیشه ردیف‌های اول این مراسم‌ها در اختیار سلب‌رئی‌تهای سینما و موسیقی قرار می‌گیرد و ردیف‌های انتهایی برای هنرمندان تجسمی اما شما می‌بینید که در این دیدار حتی وقت صحبت کردن به نماینده هنرمندان تجسمی که آقای ناصر پلنگی بود، نرسید و این خود نشان از بی‌توجهی به هنرمندان این رشته است.

یکی دیگر از نکاتی که به نظر من در ارتباط با آثار تولید شده توسط هنرمندان تجسمی جبهه انقلاب باید مطرح کرد میزان ظهور و بروز این آثار در کشورها دیگر است. در حالی که هنرمندان جریان شهروشفنگری با آثار خود حضور فعالی در عرصه بین‌المللی دارند ولی ما اخبار چندانی در ارتباط با حضور هنرمندان انقلابی و آثارشان

در کشورهای دیگر بویژه کشورهای همسایه که به لحاظ فرهنگی به ما نزدیک‌تر هستند، نداریم؛ دلیل این اتفاق چه می‌تواند باشد؟

شجاعی طباطبایی: اینگونه نیست که هیچ اتفاقی از سوی هنرمندان انقلابی در این حوزه رخ نداده باشد، مثلا جشنواره جهانی هنر مقاومت را مجموعه اوج به شکل جدی پیگیری کرد و بنده و چند نفر دیگر از هنرمندان، مجموعه آثاری را درباره داعش در جشنواره به نمایش گذاشتیم و در کنار آن، هم نشست داشتیم و هم کارگاه‌های آموزشی برگزار کردیم. در زمان پیاده‌روی اربعین هم هنرمندان تجسمی جبهه انقلاب فعالیت‌های گسترده‌ای را در کشور عراق داشتند اما متأسفانه واقعیت این است که افرادی که در جریان شهروشفنگری هنرهای تجسمی فعالیت می‌کنند در این فضا بدست مورد حمایت قرار می‌گیرند. مثلا یکی از اساتید دانشکده هنرهای زیبا به خاطر توهین به مقدسات از دانشگاه اخراج می‌شود، ولی بلافاصله بیشترین امکانات به ایشان داده می‌شود تا بتوانند یک کار تالیفی بزرگ را در عرصه پژوهشی انجام دهند. البته نوع نگاه جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های خارجی به هنر تجسمی را هم نباید نادیده گرفت که در آن بیشتر به آثاری توجه می‌کنند که تصویر سیاسی از جامعه ایرانی نشان می‌دهند، حتی کار به جایی می‌رسد که در بعضی از حوزه‌ها جوایزی که مشخص است متعلق به حامیان رژیم صهیونیستی است، به اسم جایزه سازمان ملل برگزار می‌شود و متأسفانه تأثیر جشنواره‌های خارجی مانند ونیز بوده، بنابراین لزوم حضور جدی ما در این حوزه بیشتر احساس می‌شود. اگر بخوایم مصداق دیگری در این زمینه بگوییم مثلا می‌توانم به ماجرای برگزاری مسابقه «هولوکاست» اشاره کنم که وقتی می‌خواستیم دور اول آن را بعد از ماجرای توهین

شجاعی طباطبایی: بسیاری از گالری‌ها عملا در این سال‌ها تبدیل به مستعمره‌های کشورهای غربی شده‌اند یا در جشنواره فجر، فضا توسط وزارت ارشاد به سمتی برده شده که در میان آثار این جشنواره به‌ندرت اثری متناسب با انقلاب اسلامی پیدا می‌شود



عکس: کامیار خطیبی، وطن امروز